



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۱/۲۲

سیدهاشم سدید

دست هایی را که به سوی تان دراز شده بفشارید

همزیستی از نظر اصطلاحی معمولاً اشاره به نوعی عمل یا چگونگی ارتباطی دارد که انسان ها برای زیستن با هم در یک محیط کوچک یا بزرگ اجتماعی - جهانی، بدون اینکه برای یکدیگر مزاحمتی ایجاد کنند، به آن محتاج اند. حالتی که اندرون آن، انسان ها قادر اند، با وجود داشتن انواع تفاوت ها با دیگر هموعان خود، با هم کنار می آیند، همدیگر را تحمل می کنند و در حال صلح، و فارغ از خصومت و تو و من و از من و از تو و دعوا و جنگ با هم به سر می برند؛ یعنی در تفاهم و اشتراک در انجام امور همگانی با هم هستند و زندگی و کار می کنند.

تفاهم به معنی کلی کلمه، خلاف تصور رایج، سازگاری یا درک متقابل نیست که در تمام عرصه های فکری، تربیتی، اجتماعی و سایر نگرش ها میان یک انسان با انسان های دیگر یا میان یک گروه اجتماعی - سیاسی با گروه یا گروه های سیاسی - اجتماعی دیگر و یا میان یک کشور با کشور های دیگر جهان به وجود می آید.

وقتی ما از تفاهم جهانی سخن می زنیم، منظور این نیست که همه مردمان جهان یا تمام کشور ها در جهان، هم دیگر را صد در صد درک می کنند یا همه یک سان و فقط یک سان فکر می کنند و همه در هر حالتی در یک راه روان هستند. این عمل، چه در خصوص یک فرد با فرد دیگر باشد یا در خصوص یک گروه سیاسی - اجتماعی با گروه سیاسی - اجتماعی دیگر و یا در ارتباط با چگونگی درک و همدیگر پذیری در سطح کشور ها و جهان، زمینه های محدود، ولی مهمی را مهیا می کند که غالباً برای جلوگیری از بوجود آمدن فضاء های متشنجی که می توانند سبب بروز مصیبت های جبران ناپذیر و تباهی کلی انسان ها شوند، حیاتی پنداشته می شوند.

منظور از جهان به معنی اصلی کلمه، کره زمین است، نه منظومه شمسی ما یا کهکشان ها و یا گیتی که به اصطلاح اروپایی ها یونیورس نامیده می شود.

وجود تفاهم، در هر صورتی و به هر اندازه، میان انسان ها و برای خوشبختی آن ها، حتا خوشبختی نبسی آن ها، بسیار ضروری است و باید به هر قیمتی جزئی از طبیعت و صفات و ملکات ما گردد.

وجود اختلافات میان انسان ها، گروه های سیاسی - اجتماعی و میان برخی یا تمام کشور های جهان در سطوح مختلف و به میزان های متفاوت، نمایانگر این حقیقت است که تفاهم کلی میان هیچ فرد و دسته و کشوری نه وجود دارد و نه می تواند بوجود آید. کاندایی ها، یا انگلیس ها، با همه نزدیکی و یک رنگی و تفاهم و قسماً تاریخ و نژاد و خاستگاه های مشترک شان با امریکایی ها، دغدغه ها و مسئله ها و مشکل های دو طرفه دارند. ...

کسانی که فکر می کنند ممکن نیست در میان حداقل دو انسان از حدوداً هشت میلیارد انسانی که بر روی زمین زندگی می کنند، تفاهمی همه جانبه و کلی و مطلق وجود نداشته باشد، باید بپذیرند که این اندیشه و باور در واقعیت زندگی، برابر به چیزی است که ما می توانم آن را مساوی به لاوجود بدانیم.

هیچ دو انسانی در میان این کم و بیش هشت میلیارد انسان در روی کره زمین یافت نمی شود که همه جانبه و بطور مطلق نگرش یک سان داشته باشند و یک سان بیندیشند؛ اگر باشند، از آن دو به قول آلمانی ها یکی اضافه است.

تفاوت ها در نگرش، در هر حالی میان انسان ها وجود دارد، اما انسان، اگر عقلانی فکر کند، با وجود موجودیت تفاوت ها، برای دست یافتن به زندگی آرام تر و بدون تشویش و اضطراب و خطر، و برای خوشبخت زیستن در حد ممکن، با این برداشت که می تواند با کسب "توانایی تحمل تفاوت" ها در زندگی موفق تر باشد و از مزایای زندگی، بهتر و بیشتر استفاده کند، قادر است که سطح یا میزان تفاوت های خویش را تا حد امکان، چون سود خودش هم در این کار مضر است، پائین بیاورد و میزان تفاهم و همزیستی خویش را با دیگران بالا ببرد.

با توجه به این مقدمه نسبتاً دراز، ولی ضروری، به تأیید از نوشته آقای قیس کبیر، من هم آرزو مند مسئولان و نویسندگان محترم سایت مورد نظر آقای قیس کبیر، نه تنها در برخورد های شخصی، که در ساحت کار های فرهنگی و رسانه ای خود نیز، بجای تلف کردن انرژی هایی که می توانند در جهت تولید کار های مثر سیاسی - اجتماعی - فرهنگی به کار گرفته شوند، بکوشند تا میان مسئولان و نویسندگان دو طرف - از طرف مقابل هم عین خواهش به عمل می آید - فضائی

د پانوی شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

را به وجود بیاورند که تا حدود زیادی آکنده از تفاهم و دوستی باشد؛ یعنی با برآوردن صدای مشابه و فشردن دست های همدیگر حالتی را بوجود بیاورند که گذشته از تولید کار مفید فرهنگی - نشراتی اگر مشکلی وجود داشته باشد یا به وجود بیاید، هر یک آمادگی گفت و گو با دیگری را با پیراستگی - به زبان عوام به شکل "نمازی" - و تحمل تفاوت های فکری - نگرشی همدیگر و حل صلح آمیز مشکل خویش داشته باشند، تا دنیای رسانه ای ما افغان ها حداقل در ساحت بین این دو سایت هم اگر شده، به مصداق ضرب المثلی، "گل و گلزار گردد."

زمان هر کژی را راست می کند. هر کسی را همان گونه که است و در همان حدودی که می داند، بپذیرد. نمی داند؛ به نرمی و عطوفت و تولا، بدون درشتی، توضیح و تشریح و ابلاغ کنید. یکبار! کسی شنید هم خانه اش آباد، نشنید هم خانه اش آباد! اگر سؤالی دارید، به آرامی بپرسید. اگر سؤالی به شما راجع شد، با نیکویی پاسخ دهید. جواب سر بالا ندهید؛ چنانکه بگویند: "من، چنین فکر می کنم!!" یا "من، هنوز هم به این اعتقاد هستم"، بدون اینکه دوستانه و بجا استدلال کنید و بفهمید و بفهمانید. خود را برای پذیرفتن حرف حق آماده کنید. خود را سبک کنید. ذهن و کمپوتر را از انبار هزار ها کیلو سخنی آماده برای کوبیدن بر سر ظاهراً مخالفان خویش فارغ و خالی سازید. همه انرژی و توان فکری تان را این انبار ها به هدر می دهند؛ بی فایده و عبث. و... این نکات بیشتر برای نویسندگان هر دو سایت است تا به مسئولان آن ها!

آغاز سال عیسوی است. آغاز سال جدید ما هم دور نیست. فال را نیک گرفته در جهت ایجاد تفاهم و همدگر پذیری با هوا و نیروی تازه به گونه جدی اقدام کنید. آزردها را کنار بگذارید. آغوش ها را بر روی همدیگر بگشایید. در اجرا و انجام کار ها و فعالیت های مفید و سازنده به همدیگر کمک نمایید و فضائی را بوجود آورید که "موربانه" ها و "بی کارانی برغندی خیر نشسته" و "بیگار" ها بیشتر از این فرصتی برای متنسج ساختن فضای سالم مورد نیاز و تخریب شما نیابند. جایی هر یک، از نظر سن و از نظر تحصیل و دانش و پاگزگی و خلوص معلوم است. هر کس را، بدون کم زدن، به اندازه استحقاقش احترام کنید و هر کس باید به اندازه استحقاقش طلب احترام کند. از ارزانی بیش از اندازه حرمت و توقیر، اگر، و تنها در صورتی که سبب خودبینی و تکبر گردد، اجتناب کنید. ظرفیت ها را بنگرید. و از یاد نبرید که توقع داشتن بیشتر تکریم و تعظیم نسبت به آنچه ما مستحق هستیم، علاوه بر شان و منزلت و شخصیت ما خدشه وارد می کند، آرامش و سکون درونی ما را نیز مخدوش می سازد و خوشی های ما را از ما می گیرد. بودا، یکی از بزرگترین متفکران متخلق جهان می گفت:

"خوشبختی شما به میزان توقعات شما بستگی دارد. هر قدر توقعات خویش را محدود و آرزو های خود را - بخصوص آرزو های غیر ضروری خود را - محصور کنید، به همان اندازه خوشبخت و از نظر ذهنی آرام هستید." این دید و برداشت از نظر روان شناسان و علم روان شناسی تأیید شده است.

ذهن انسان های پر توقع و زیاده طلب، و به تبع آن زندگی آن ها، هیچ گاهی عاری از تشویش و اضطراب و دشواری و رنج نیست. دستی را که به سوی شما دراز می شود با اخلاص، به راستی و از روی صداقت بفشارید. بگذارید هر کسی کارش را به آرامی و بدون دغدغه خاطر بکند. این طرف هم باید با صداقت و درستکاری همین کار کند. اگر باعث خوشی و سهولت در کار کسی نمی شوید، هر دو را می گویم، سبب غصه و صعوبت در کاری کسی هم نشوید. تلاش کنید تا افق های بیشتر و رنگین تری را به روی خود، و به روی هر کس دیگری که می توانید باز کنید. افق هایی را که تنها آبشار خروشان از نور و موج عظیمی از گرمی را هم به درون ذهن ها، هم به درون قلب ها و هم به درون خانه ها سرازیر می کند.

گفتن این سخن را ضروری می دانم که: آنانی که مرا وادار به نوشتن این درنامه کرده اند، بیشتر کسانی اند (به شمول خودم که زمانی شاید تلخ ترین و درازترین زبان را داشتم) که در سال هایی که فعلاً من قرار دارم، یا کمی بیشتر، قرار دارند. چقدر؛ به راستی، چقدر وقت داریم؟! باقی خود دانید!